

# پایان دوران رهبران قدرتمند

یاشار امینی



فوری او از سمت نخست‌وزیری می‌شدند. هر چند در حال حاضر لیونی در تلاش برای تشکیل دولت ائتلافی با حضور سایر احزاب اسرائیلی است، ولی حقیقتی که اولمرت از آن پرده برداشت این بود که اسرائیل دیگر نه رهبر بزرگ و قدرتمندی دارد و نه اینکه چیزی به نام اسرائیل بزرگ وجود دارد و هر فردی که در این باره سخن بگوید، تنها خود را فریب داده است.

## لیونی: من کبوتر صلح نیستم

یکی از نکات قابل توجهی که اولمرت قبل از استعفا رسمی خود از آن پرده برداشت، تاکید بر ضرورت توافق صلح با فلسطینیان بود. او در آخرین نشست پارلمانی رسمی خود با اشاره به اینکه هیچ جادویی برای به ثمر رساندن یک توافق صلح وجود ندارد و بهای صلح گزاف است و باید این موضوع را با صداقت و شجاعت بیان داشت، تاکید کرده بود: «اگر ما سریعاً به توافق نرسیم، فرصت از دست خواهد رفت و این فرصت از دست رفته قابل قبول نخواهد بود». اولمرت راست می‌گوید چون بنابر اعتقاد خود اسرائیلی‌ها نیز هر دولتی که در آینده روی کار بیاید و نتواند مشکل غزه را حل کند، برای طولانی مدت در قدرت باقی نخواهد ماند. اما این بزرگترین مشکل نخست‌وزیر جدید نخواهد بود. «آبراهام دیسکین» تحلیل‌گر اسرائیلی و از روسای پیشین دپارتمان علوم سیاسی دانشگاه عبری، می‌گوید که ایران مهمترین موضوع سیاسی امروز اسرائیل است. لیونی نیز هر چند در برابر نگرانی‌های بیان شده توسط مسوولان دفاعی آمریکا درباره پیامدهای نامطلوب حمله احتمالی به ایران، با گفتن اینکه «انتخاب در خاورمیانه، انتخاب بین بد و بدتر است» پاسخ داده ولی در همین حال اظهار داشته که در خصوص ایران خطمشی دیگری را دنبال خواهد کرد که با رویکردهای اکثر مردان خشن اسرائیل و رقبایش تفاوت دارد. با وجود چنین اظهارنظری، لیونی اما به طور کلی سیاستی همانند دیگر رهبران اسرائیل دنبال می‌کند. وی هیچ‌گاه نگفته که به دنبال جنگ با ایران نیست و در عین حال ایران را همانند همه مقام‌های اسرائیلی تهدیدی برای امنیت اسرائیل می‌داند. اما با

لیونی به عنوان کفیل نخست‌وزیر به کار خود ادامه خواهد داد، ولی در حقیقت صفحه اولمرت در تاریخ سیاسی اسرائیل با استعفا وی در ۱۷ سپتامبر برای همیشه ورق خورد. او در طول کمتر از سه سالی که در راس قدرت قرار داشت، با فشارهای فزاینده‌ای در خصوص موارد مختلفی مواجه بود اما عمده‌ی مشکل سیاسی اولمرت پس از آن به وجود آمد که مطبوعات اسرائیلی فاش کردند که وی در یک فساد مالی در زمان حضورش در شهرداری بیت‌المقدس دست داشته است. وی در ابتدا از پذیرش این اتهام به شدت اجتناب می‌کرد، اما پس از آن که شاهدان پرونده از جمله یهودی آمریکایی تباری که به وی مستقیماً رشوه داده بود، علیه او شهادت داد، وی پذیرفت که به بازجویی‌های پلیس تن دهد. اولمرت به عنوان دوازدهمین نخست‌وزیر اسرائیل، بنابر عقیده بسیاری از کارشناسان مسایل اسرائیل یکی از بدشانس‌ترین نخست‌وزیرهای این رژیم بود؛ کسی که با محبوبیت عمومی در بین اسرائیلی‌ها از ماه ژوئیه ۲۰۰۶ و در پی مرگ مغزی آریل شارون به عنوان جانشین او بر سر کار آمد. ولی با آغاز جنگ ۳۳ روزه و حمله ارتش این رژیم به جنوب لبنان که در نهایت به شکست اسرائیل منتهی شد، به شدت محبوبیت خود را از دست داد. در آن جنگ افکار عمومی اسرائیل و ژنرال‌های ارشد اسرائیلی اولمرت را به دلیل عدم برخورداری از تجربه نظامی کافی به شدت مورد نکوهش قرار دادند و وی را عامل اصلی شکست این رژیم که نخستین شکست رسمی اسرائیل در دوران جنگ‌هایش محسوب می‌شد، قلمداد کردند. این در حالی بود که پس از انتشار گزارش دادگاه تحقیقاتی وینوگراد که اولمرت را عامل اصلی شکست جنگ ۳۳ روزه معرفی کرده بود، محبوبیت وی باز هم کاهش یافت به گونه‌ای که مردم اسرائیل دسته دسته به خیابان‌ها می‌آمدند و با روشن کردن شمع و برافراشتن پلاکارد خواستار استعفا

برنامه‌ی اتمی ایران ترس به جان اسرائیلی‌ها انداخته و این در حالی است که اوضاع سیاسی در این رژیم به کلی ناپسامان است. ایهود اولمرت به دلیل فساد مالی از سمت نخست‌وزیری استعفا داده و تزیبی لیونی که پیشتر در سمت وزیر خارجه خدمت می‌کرد، با شکست شائول موفاز، رقیب سرسخت خود از سوی شیمون پرز، رئیس جمهور اسرائیل مامور تشکیل دولت جدید شده است. خانم لیونی هر چند در این انتخابات که به رقابت «آقای امنیت و خانم درستکار» مشهور شده بود (منظور سابقه حضور موفاز در شاخه‌های مختلف ارتش، در مقابل پرونده عاری از فساد خانم لیونی و نقشش در مذاکرات با فلسطینیان است) توانست با اختلاف حدود ۴۳۰ رای یعنی با کسب ۴۳/۸ درصد از آرا در مقابل موفاز که ۴۲ درصد از آرا را به دست آورده بود، پیروز شود؛ ولی بنابر اظهارات بسیاری از کارشناسان مسایل بین‌المللی، او برای ائتلاف با سایر احزاب اسرائیلی و به دست گرفتن سکان هدایت این رژیم، آن هم در حالی که تل‌آویو رهبران تاریخی خود را از دست داده و در داخل و خارج با چالش‌های مهمی روبه‌روست، با شرایط بسیار دشواری مواجه خواهد بود.

## اولمرت: بدشانس‌ترین نخست‌وزیر اسرائیل

اولمرت هر چند در حال حاضر از نظر قانونی از سمت نخست‌وزیری استعفا داده و تنها تا پایان مهلت قانونی



این حال لیونی نسبت به دیگر رقیبانش منشی ملایم‌تر در برابر ایران دارد. علاوه بر آن، چون از سابقه نظامی برخوردار نیست و دیدگاه نظامی در برابر ایران نسبت به دیگر مقام‌های اسرائیلی متعادل‌تر است، این موضوع باعث شده که طبیعتاً وی در جایگاه معتدل‌تری در برابر ایران قرار بگیرد. به ویژه اینکه گفته است که هنگامی که دولت تشکیل دهد، تلاش می‌کند از نظامیان کمتر در امور اجرایی استفاده کند. اما این صفت دقیقاً بهانه‌ای به رقبای او به ویژه شائول موفاز داده است. موفاز و سایر مخالفان لیونی تلاش می‌کنند وی را از این دیدگاه به شدت تضعیف کرده و دایماً می‌گویند وی نمی‌تواند در برابر دشمن ویژه اسرائیل یعنی ایران به خوبی بایستد. حتی برخی از کارشناسان اسرائیلی معتقدند که انتخاب لیونی می‌تواند به نفع منطقه و به ویژه ایران و اعراب تمام شود؛ چون در صورت نخست‌وزیر شدن وی، به هر حال فردی در اسرائیل بر سر کار آمده که از تفکرات نظامی برخوردار نیست و علاوه بر آن بیشتر مایل است خود را فردی صلح‌طلب و طرفدار اصلاحات همانند هیلاری کلینتون نشان دهد. با این حال مخالفان قدرتمند لیونی معتقدند اگر این رژیم درگیر جنگ شود او توانایی اداره جنگ را نخواهد داشت و مترسکی در دست ژنرال‌های اسرائیلی خواهد بود. لیونی هر چند در برابر چنین تبلیغاتی علیه خود تأکید کرده که «من کبوتر صلح نیستم» ولی به نظر می‌رسد که این شعار برای متقاعد کردن منتقدانش کافی نیست.

### شاگرد شارون، مامور موساد

تزیبی لیونی که در ۱۷ سپتامبر در رای گیری برای انتخاب رهبر حزب کادیما، حزب حاکم وقت اسرائیل، پیروز شد در ظرف تنها ۱۰ سال از فردی ناشناس در حوزه تحولات سیاسی به فردی تبدیل شده که ممکن است به عنوان نخست وزیر اسرائیل انتخاب شود. در واقع عمر نسبتاً کوتاه خانم لیونی در پارلمان اسرائیل در سال ۱۹۹۹ و با انتخاب شدن او به عنوان عضوی

از حزب دست راستی لیکود به کنست آغاز شد. لیونی تحت حمایت آریل شارون، نخست‌وزیر وقت اسرائیل، در سال ۲۰۰۱ به عنوان وزیر توسعه منطقه‌ای آغاز به کار کرد. پس از آن او پست‌های وزارت دیگری را نیز به عهده گرفت؛ از جمله وزارت جذب مهاجران، مسکن و سازندگی، دادگستری، و بعدها وزارت خارجه. او در گذر زمان به یکی از نزدیکترین مشاوران آریل شارون تبدیل شد و در سال ۲۰۰۵ نقش عمده‌ای در خروج بحث‌برانگیز نیروهای اسرائیلی و شهرک‌نشینان از نوار غزه ایفا کرد. در پاییز سال ۲۰۰۵ پس از آن که آریل شارون در اثر اختلاف نظر بر سر مساله خروج از مناطق اسرائیلی از حزب لیکود جدا شد و حزب کادیما را تأسیس کرد، خانم لیونی هم همراه او به حزب کادیما پیوست. از سوی دیگر خانم لیونی عمدتاً در تلاش بوده حضور چندانی در رسانه‌ها نداشته باشد که این موضوع باعث شده برخی او را فردی سرد و خشک بدانند. او سعی کرده پای خانواده‌اش نیز به رسانه‌ها کشیده نشود. او در تل‌آویو تحت نام «زیورا مالکا لیونی» به دنیا آمد و رشد کرد و در دوران مدرسه به عنوان دختری ورزشکار و باهوش و با رفتاری بعضاً پسرانه شناخته می‌شد. او پس از پایان دوران خدمت نظام وظیفه، در اوایل دهه دوم عمر خود دوره‌ای چهار ساله در موساد، آژانس اطلاعاتی اسرائیل را نیز طی کرد. اطلاعات چندانی درباره عملیات‌هایی که او در آن شرکت داشته منتشر نشده است، به جز اینکه او به واسطه مقتضیات برخی از عملیات، مدتی را در پاریس زندگی کرده است. او بعداً از دانشکده حقوق بارایلان فارغ‌التحصیل شد و پیش از ورود به عرصه سیاست به مدت ده سال به عنوان وکیل فعالیت کرده است. او حالا قرار است جانشین کسی (اولمرت) شود که مدت‌ها با وی رقابت شدید داشت و تاکنون دو بار در کابینه با اولمرت درگیری لفظی داشته و کارشان به ناسازگویی به هم نیز رسیده است. کسی که در زمان جنگ اسرائیل با لبنان خود نیز در مظان اتهام سوءتدبیر و سوءمدیریت در جنگ بود، اما تلاش بسیاری

کرد تا این اتهام‌ها را از سر باز کرده و همه را متوجه اولمرت کند. در صورتی که لیونی نخست‌وزیر اسرائیل شود او دومین زنی در تاریخ اسرائیل خواهد بود که پس از «گلدن مایر» سکان رهبری اسرائیل را بر عهده می‌گیرد. با این حال تزیبی لیونی از این که وی را با مائیر مقایسه کنند متنفر است. کارشناسان مسایل اسرائیل دلیل عمده تنفر وی از این مقایسه را تندرو بودن مائیر در زمان نخست‌وزیریش در برابر فلسطینیان و اتخاذ تصمیم‌های افراطی علیه آنان می‌دانند. وی در آخرین گفت‌وگوش با تلویزیون اسرائیل گفته است: «من طرفدار مذاکره با فلسطینی‌ها هستم در حالی که گلدن مائیر به هیچ عنوان حاضر به گفت‌وگو با فلسطینیان نبود و از این رو به هیچ وجه مایل نیستم با این مقایسه ذهنیت خود را نزد فلسطینیان خدشه‌دار کنم». به همین علت او فردی محبوب در اسرائیل است و بسیاری او را با عنوان "زن درستکار" می‌شناسند؛ فردی که به عنوان جایگزینی موجه و تازه برای دستگاهی سیاسی که تحت تأثیر سیاستمداران کهنسال، نظامیان و افراد بعضاً فاسد در حوزه فعالیت‌های سیاسی قرار دارد، شناخته می‌شود. با این حال باید منتظر ماند و دید که اوضاع سیاسی در این رژیم چگونه پیش خواهد رفت و او می‌تواند دومین زنی در تاریخ اسرائیل باشد که به سمت نخست‌وزیری اسرائیل منصوب می‌شود یا خیر؟ از طرفی بسیاری از کارشناسان مسایل اسرائیل معتقدند که حزب کادیما نمی‌تواند با قدرت به سوی پیشبرد برنامه صلح با فلسطینیان گام بردارد و لیونی به عنوان نخست‌وزیر احتمالی آینده اسرائیل، برای پیشبرد اهدافش دست کم به کمک هم‌حزبیان خود نیاز دارد ولی هنوز کاملاً معلوم نیست که آیا آنها این کمک را به لیونی خواهند کرد یا خیر.

منبع: هاآرتز، جرور الم پست، واشنگتن پست